

مسیر کاهش آسیب‌های اجتماعی و فساد با رویکرد به توانمندسازی زنان



ریحانه صادقی
مترجم

سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا-پاسفیک (اپک) در تفهیم‌نامه سیاست‌گذاری‌اش، که در ماه مارس امسال منتشر شد، به ارتباط توانمندسازی زنان با کاهش فساد پرداخته است. در آستانه روز جهانی «مبارزه با فساد» هستیم و خالی از لطف نیست نگاهی به این تفهیم‌نامه بیندازیم. در ادامه، متن این تفهیم‌نامه به‌طور خلاصه آورده شده است:

فساد در سرتاسر دنیا مشکلی اساسی است. سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا-پاسفیک در اعلامیه سال ۲۰۱۴ خود در پیچینگ درباره مبارزه با فساد بر این مسئله تأکید کرد که «فساد مانع پایداری و توسعه اقتصادی است، امنیت و عدالت اجتماعی را تهدید و حاکمیت قانون را تضعیف می‌کند و وجهت دولت‌ها و اعتماد مردم به آن‌ها را تحلیل می‌برد». فساد را به‌طور کلی می‌توان با عنوان سوءاستفاده از جایگاه قدرت برای منافع شخصی تعریف کرد. فساد به اشکال مختلف ظاهر می‌شود و در سطوح مختلف وجود دارد. بااین حال، همه اشکال فساد مناسبات مشتری‌کی دارد: همه آن‌ها اعتماد عمومی به نهادها را تحلیل می‌برند و زمینه‌ساز به‌وجود آمدن محیطی آکنده از مسامحه و عاری از وجهت می‌شوند. به همین سبب است که دولت‌های باید با فساد در همه سطوح مبارزه کنند.

ناهمسانی در قدرت موجب تشدید تأثیر منفی فساد در همه گروه‌های متنوع مردمی می‌شود. تأثیرات منفی فساد بر افراد فقیر و آسیب‌پذیر بیشتر هم هستند. فساد سبب به‌تأخیر افتادن یا مخدوش شدن دسترسی این گروه به خدمات کیفی، از قبیل خدمات سلامت، آموزش و امنیت اجتماعی می‌شود و در نتیجه، گزینه‌های تحرک اجتماعی را محدود می‌کند. عاملان فساد همچنین می‌توانند از طریق انجام اعمال تبعیض‌آمیز از قبیل امتیاز دادن به گروه‌های خاص یا هدف قرار دادن یک گروه، سبب تشدید نابرابری‌های موجود شوند. این نبود توازن قدرت در حوزه جنسیت نیز تأثیرگذار است و تأثیری را که مردان و زنان از فساد می‌پذیرند، از هم متمایز می‌کند.

تأثیر جنسیت‌محور فساد

تأثیر متقابل جنسیت و فساد به‌هم‌درآمیخته با عوامل متعددی است، اما طبق تعریف ارائه‌شده سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۰، به‌طور کلی زنان به ۲ دلیل اصلی نسبت به مردان در ابعاد گسترده‌تری از فساد تأثیر می‌پذیرند:

۱. زنان به‌موجب هنجارهای فرهنگی موجود، قدرت اجتماعی اقتصادی کمتری دارند. زنان گاهی به‌سبب کلیشه‌های جنسیتی سنتی، گزینه‌های شغلی محدودتری دارند. برای مثال، مفاهیم سنتی مانند نقش‌های جنسیتی می‌تواند سبب محدود شدن فرصت‌های اقتصادی موجود و در دسترس برای زنان شود. در برخی مشاغل نیز زنان ممکن است به کلی خارج از دایره افراد واجد شرایط برای احراز موقعیت‌های شغلی بالاتر قرار داده شوند. چنین عواملی سبب محدود شدن فرصت‌های اقتصادی زنان و پویایی آن‌ها می‌شود.
۲. زنان از خدمات عمومی خاصی استفاده می‌کنند که احتمال وجود فساد در آن‌ها متداول‌تر است. زنان بیشتر نقش مراقبتی اصلی را در خانواده دارند و این بدین معناست که آن‌ها بیشتر از مردان به استفاده از خدمات اجتماعی مختلف نیاز پیدا می‌کنند.

به‌علاوه، زنان از حقوقشان و چگونگی به‌دست آوردن آن‌ها آگاهی کمتری دارند و این سبب آسیب‌پذیرتر شدن آن‌ها می‌شود. همچنین، علاوه بر روش‌های معمول اعمال فساد از طریق پرداخت پول در ازای دسترسی به کالا یا خدمات، زنان در معرض مواردی همچون اخاذی جنسی (sextortion) نیز قرار دارند؛ به این معنا که ممکن است از آن‌ها خواسته شود از جنسیتشان به‌عنوان سرمایه فساد استفاده کنند.

توانمندسازی زنان به‌عنوان بخشی از یک راهبرد ضدفساد از آنجا که ناتوانمندسازی (disempowerment) در مقابل توانمندسازی (empowerment) سبب آسیب‌پذیرتر شدن افراد در برابر فساد می‌شود، توانمند ساختن زنان را می‌توان یکی از راه‌های کاهش فساد در جامعه در نظر گرفت. برای مثال، حضور بیشتر زنان در دولت‌ها و بدنه سیاست‌گذاری کشورها می‌تواند راه انجام اقداماتی برای بررسی و توجه به فساد جاری نسبت به زنان را هموارتر کند. همچنین، افزایش حضور زنان و مشارکت اجتماعی آن‌ها نیز می‌تواند از طریق به‌وجود آوردن نوعی نظام نظارت و تعادل (و توازن قدرت) سبب بهبود کیفیت نهادها و سازمان‌ها شود.

فساد به‌زبان ساده از طریق شبکه‌های ارتباطی اجتماعی، به‌معنای شبکه ارتباطات بین کنشگران (افراد، گروه‌ها یا سازمان‌ها) اتفاق می‌افتد. این شبکه‌های ارتباطی اجتماعی هستند که سبب تشدید ناهمسانی‌های قدرت از قبیل نابرابری‌های جنسیتی می‌شوند.

اگرچه زنان نیز ممکن است در اعمال فساد مشارکت کنند، آن‌ها طبق سنت به‌عنوان بازیگران کمتر قابل اعتماد در این دادوستدهای فاسد در نظر گرفته می‌شوند. به همین سبب، برخی این‌طور استدلال کرده‌اند که حضور بیشتر زنان در کرسی‌های قدرت می‌تواند در برچیدن شبکه‌های فساد مؤثر باشد، زیرا زنان امکان انجام وقوع رفتار فاسد را دشوار می‌کنند یا دست کم تصور می‌شود که این‌طور عمل خواهند کرد.

منبع: وب‌سایت رسمی «سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا-پاسفیک»



شهربانو

۲۳ شنبه
۱۵ آذر ۱۴۰۰
اجمعی اول ۱۴۴۴ شماره ۳۵۷

(۷)

ایراندخت

نقیسه زمانی
فصل فرهنگی



سیده ملک‌خاتون نخستین زن حکمران شیعه

ایران زمین زنان و مردانی زاده است که نامشان با تاریخ جاودانه شده است. از میان زنان مؤثر این خاک و بوم می‌توان از شیرین دخت نام برد. وی فرزند اسپهبد رستم باوندی بود و در طبرستان دیده به جهان گشود. او را شیرین دخت اسپهبد رستم طبری نیز می‌خواندند. چون به سن ازدواج رسید، به همسری فخرالدوله دیلمی، از شاهان آل بویه، در آوردند و این چنین شیرین دخت اسپهبد رستم طبری که شیعه دوازده‌امامی نیز بود لقب سیده خاتون را گرفت. فخرالدوله را وزیر بود به نام صاحب‌بن عباد که چون در گذشت، سیده خاتون در نقش مشاور سیاسی همراه همسر در امور درباری شد و گرچه امور دربار و دیوان به ۲ تن از کارگزاران گذاشته شده بود، سیده خاتون نظارتی مستقیم و کامل بر عملکرد آنان داشت. سیده خاتون در اردوگاه نظامی نیز حضور پیدا می‌کرد و محبوب لشگریان بود. همچنین بر امور مالی و مالیات نیز نظارت می‌کرد و کلید خزانه فخرالدوله تا زمان حیات شاه دیلمی در دست این زن امین بود. عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر در وصف وی می‌نویسد: زنی ملک‌زاده و عقیقه و زاهد بود.

بانو برای شوی خود ۲ پسر به نام ابوطاهر و ابوطالب به دنیا آورد. دست سرنوشت چنان نوشت که فرزندان فخرالدوله دیلمی در خردسالی پدر خود را از دست دادند و چون این ۲ تن کوچک‌تر از آن بودند که حکمرانی ملک پدر کنند، سیده خاتون حکومت را به امانت در دست گرفت و بدین‌گونه بانو را سیده ملک خاتون خواندند. بانو از شعبان سال ۳۸۵ تا ۴۰۷ هجری قمری به طور رسمی حکمرانی اراضی همسر را در دست داشت. او اولین زن شیعه‌ای شناخته می‌شود که حکمرانی به وی واگذار شده است. این‌طور که در اسناد تاریخی ذکر شده است، سیده ملک خاتون از فخرالدوله نیز بهتر و شایسته‌تر حکمرانی می‌کرد. سمت جدید بانو مقام مادری را برایش کم‌رنگ نکرد بلکه در تربیت فرزندان چنان کوشا بود که استادان دانشمند و شیعه‌مذهب رشته‌های فلسفه و کلام را برای آموزش فرزندان فراخواند. ابوعلی سینا نیز مدتی نزد سیده ملک خاتون و فرزندش بود. این زن بزرگ بر همه امور حکومت تسلط کافی داشت و همه فرمان‌ها با صلاحدید او صادر می‌شد. ابوطالب، فرزند وی، با لقب مجدالدوله دیلمی، به تحریک اطرافیان، در همان سنین کم‌علیه مادر شورش کرد اما بانو با اقتدار تمام توانست شورش‌ها را به‌خوبی فرونشاند. چون فرزندان بزرگ‌تر شدند، حکومت ری را به مجدالدوله داد اما او به تحریک وزیرش، خواست دست سیده ملک خاتون را از مسائل دربار کوتاه کند که این بار بانو به همراهی حاکم کرد دینور، بدر حسنلو و گروهی از سرداران، توانست ری را تسخیر و مجدالدوله را بر کنار و ابوطاهر را با لقب شمس‌الدوله دیلمی بر تخت ری نشاند. درایت بانو به حدی بود که پس از چندی، دوباره مجدالدوله را به حاکمیت ری فرخواند و شمس‌الدوله را حاکم همدان کرد. در همین زمان بود که محمود غزنوی هوای تسخیر ری را در سر پروراند. نامه‌ای به بانو نوشت و از او خواست در ری به نام سلطان محمود خطبه بخواند و نام او را بر سکه ضرب زند اما سیده ملک خاتون در خطاب به وی، نامه‌ای نوشت که از اندیشه نبرد با پیرزنی بگذرد که شکست از او برایش رسوایی است و پیروز شدن نیز برایش افتخاری به همراه نخواهد داشت. سیده ملک خاتون، اولین حکمران شیعه‌مذهب زن، در سال ۴۰۷ هجری دارفانی را وداع گفت. کالبد این بانوی بادرایت در جاده خاوران تهران در مکانی معروف به زیارتگاه سیده خاتون به خاک سپرده شده است.

